

برخی از «مشخصه‌های «انسان تراز اقتصاد مقاومتی» با هدف تشکیل شبکه «اقتصاد مقاومتی» با رویکرد مقام معظم رهبری

وحید ارشدی^۱

عمار خسروجردی^۲

چکیده

اجرای نسخه اقتصاد مقاومتی، مستلزم تشکیل سرمایه انسانی و اجتماعی مناسب؛ یا به عبارت دیگر نیازمند وجود «بازیگران لایق و توانمند» و «محیط نهادی» مناسب برای تحرک آنان است. مردم، چه در هویت فردی و چه در هویت خانوادگی و جمعی خود در هر سطحی بایستی قابلیت پیدا کرده تا در اجرای این سیاست‌ها نقش خود را ایفا نمایند. در این مقاله، از طریق روش اسنادی و تحلیلی- توصیفی بر مبنای دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب، به عنوان نظریه‌پرداز اقتصاد مقاومتی؛ و همچنین متن ابلاغی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، ابتدا مؤلفه‌های مهم این الگوتبیین خواهد شد. این مؤلفه‌ها شامل تعیین نقش‌آفرینان اقتصاد مقاومتی، مشخص کردن اهداف و عوامل انگیزش‌ساز برای نقش‌آفرینی آنها است. سپس ویژگی‌های «انسان تراز اقتصاد مقاومتی» و «نشانه‌های آن» تبیین می‌شود. مهمترین ویژگی‌های «انسان تراز اقتصاد مقاومتی»، تعهد، کارآمدی و دارا بودن عزم راسخ برای پیشرفت می‌باشد. نشانه‌های تعهد، عبارتند از دین‌داری، معتقد بودن به انقلاب اسلامی و توانایی ملی، وظیفه‌شناسی و تکلیف‌گرایی و پیرو اقتصاد بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی. نشانه‌های کارآمدی، عبارتند از: آرمان‌خواهی، واقعیت‌شناسی، موقعیت‌شناسی، انعطاف‌پذیری، مبتکر و خلاق بودن و نیز نشانه‌های «دارا بودن عزم راسخ برای پیشرفت» عبارتند از: اعتماد به نفس ملی، امیدوار بودن به آینده، شجاعت و جسارت داشتن برای اقدام (روحیه‌ی مخاطره‌پذیری). این ویژگی‌ها نقطه آغازین برای بروز و ظهور سرمایه اجتماعی است.

کلید واژه‌ها: اقتصاد مقاومتی، انسان، تعهد، پیشرفت، انقلاب اسلامی، کارآمدی، عزم راسخ

^۱ دکترای اقتصاد ، vahidarshadi@mail.com

^۲ پژوهشگر بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، khosrogerdi82@gmail.com

مقدمه

از منظر آموزه‌های اسلامی^۱ و بر اساس تجربه‌های بشری، معمولاً هر مصلح اجتماعی در سطوح مختلف، برای موفقیت در اصلاحات اعتقادی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، نیازمند انواع سرمایه و استعمال آن‌ها در جهت اهداف پیش‌بینی شده خود است. شناسایی و استفاده از نیروهای انسانی مستعد، توانمند و معتقد به اهداف اصلاحات مذکور به عنوان «بازیگران اصلی»؛ و نیز «شبکه‌سازی» آن‌ها نوعی سرمایه‌گذاری است که در ادبیات علم اقتصاد، مشهور به تشکیل «سرمایه انسانی» و انباشت «سرمایه اجتماعی» است. این بازیگران باید با انباشت این سرمایه «کاهش بی‌اعتمادی»^۲ بین خود، تضاد منافع خود را حداقل کرده و بر مشترکات خود با همدیگر، وحدت کنند تا بتوانند سایر سرمایه‌های فیزیکی و مالی را در جهت اهداف مصلح اجتماعی به کار گرفته و اهداف او را به ثمر برسانند. «سرمایه انسانی» شامل افزایش دانش و مهارت انسان‌های سالم و «سرمایه اجتماعی» شامل ترکیبی از نرم‌ها، شبکه‌ها، گروه‌ها بوده و موجب تسهیل و روان‌سازی رفتار مشترک و مجموع رفتار اجتماعی در جهت ایجاد انسجام، مساعدت و هماهنگی در تعامل جمعی می‌گردد.^۳ پوتنام، تبیین می‌کند که «هرچه روابط میان افراد در شبکه‌ها نزدیک‌تر و افقی باشد نه عمودی، سرمایه اجتماعی بزرگ‌تر و درگیرشدگی مدنی بیش‌تر خواهد بود. به دنبال آن مسئولیت‌پذیری حکومت نیز افزایش خواهد یافت، زیرا نمی‌تواند سرمایه اجتماعی را نادیده بگیرد و با آرامش خاطر به حکم‌رانی بپردازد.»^۴ یکی از عوامل نزدیک شدن افراد به هم وجود ویژگی‌های مشترک بین افراد است. به واسطه وجود این ویژگی‌ها تشکیل شبکه‌های افقی راحت‌تر است.

اقتصاد مقاومتی نیز، یک الگوی اصلاح ساختاری «مردم محور» به سمت پیشرفت اقتصادی پایدار کشور اسلامی و یک مبارزه در «جبهه اقتصادی» است که نیاز به سرمایه‌ی انسانی (جهادگران اقتصادی) و تشکیل سرمایه اجتماعی در بین آن‌ها و شکل‌گیری قواعد متناسب با خود دارد.^۵ این الگو توسط شخصیت حکیم و آگاه به زمان با اهداف سه‌گانه‌ی عقب نشاندن دشمن در «جنگ اقتصادی»؛ مقاوم‌سازی اقتصاد «ایران اسلامی» در مقابل مخاطرات ملی و بین‌المللی؛ و الهام بخش شدن نظام اقتصاد اسلامی، بر مبنای اصول علمی؛ و ناظر به واقعیات و نیازهای اقتصادی ایران، طراحی شده است.

^۱سوره انفال آیه ۶۴ و ۶۵ - سوره فتح آیه ۲۹ مبنی بکارگیری نیروهای مؤمن توسط پیامبر اکرم (ص) و یکی از ویژگی‌های پیروان ایشان در مبارزه (اتحاد در مقابل دشمن)

^۲ارشدی، وحید، بررسی ریشه‌های بی‌اعتمادی در فضای اقتصادی کشور، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد، ۱۳۸۲.

^۳اعتصامی، منصور، جایگاه پیوند سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۱۴.

^۴اعتصامی، منصور، جایگاه پیوند سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸.

^۵حسین زاده بحرینی و سعید ملک الساداتی (۱۳۹۰)، موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران، ماهنامه جامعه و کار، شماره ۱۳۸، ص ۴۹.

با رویکرد اقتصاد نهادی نیز این مسئله قابل تبیین است. داگلاس نورث (۲۰۰۳)، به عنوان یک اقتصاددان نهادگرا در مقاله‌ی «درک فرآیند تحول اقتصادی»^۱ تبیین کرده‌است که تغییر در عملکرد اقتصادی نتیجه‌ی (۱) تغییرات در کیفیت و کمیت انسان‌ها، (۲) تغییرات در میزان دانش بشر، (۳) تغییرات در ماتریس نهادی که مشخص‌کننده ساختار انگیزشی جامعه است، می‌باشد. در چارچوب اقتصاد نهادی؛ نهادها و سازمان‌ها تربیت و تقویت‌کننده نیروهای پیشرو در این الگو بوده و بسترساز شکل‌گیری رفتارهای آن‌ها هستند. نهادها، شامل همه قواعد رسمی و غیر رسمی هستند که نیروی انسانی در محیط آن پرورش می‌یابد و بازی می‌کند.^۲

در همین راستا منتزویونس و دیگران (۲۰۰۴)، در مقاله خود با عنوان «یادگیری، نهادها و عملکرد اقتصادی»، تبیین می‌کنند که «نهادها قواعد بازی در جامعه یا به طور رسمی‌تر، محدودیت‌های انسانی تعبیه شده‌ای هستند که تعاملات انسانی را ساختار می‌دهند. آنها از قواعد رسمی (قانون اساسی، قوانین موضوعه و قوانین عرفی و مقررات)، قواعد غیر رسمی (رسوم، قواعد اخلاقی و هنجارهای اجتماعی) و خصوصیات اجرایی و تضمینی هر کدام از آنها تشکیل می‌شوند. نهادها ساختار انگیزشی جوامع را به وجود می‌آورند. از این رو، آنها شیوه‌هایی را مشخص می‌کنند که بازی‌ها در طول زمان اجرا می‌شوند. نهادها آثار گوناگونی دارند. یکی از آثار نهادها، ایجاد انگیزه برای خلق سازمان‌هاست. نهادها قواعد بازی و سازمان‌ها بازیگران هستند. سازمان‌ها گروه‌هایی از افراد را شامل می‌شوند که با برخی مقاصد مشترک، با یکدیگر پیوند می‌خورند.»^۳

سؤال این است که به لحاظ ویژگی‌های فردی، «کیفیت مردم» چگونه باشد تا «شبکه اقتصاد مقاومتی» شکل گرفته و اهداف «اقتصاد مقاومتی» تحقق پیدا کند؟ نشانه‌های آن ویژگی‌ها چیست؟ چه سازمان‌هایی عامل شکل‌دادن و بسترسازی برای ورود این طیف به محیط اقتصادی هستند؟ در بین تمامی سازمان‌های مذکور، مهم‌ترین سازمان، کدام است و از چه کانال‌هایی تأثیرات خود را ایجاد می‌کند؟ در این مقاله، ابتدا مؤلفه‌های مهم اقتصاد مقاومتی تبیین خواهد شد، این مؤلفه‌ها شامل تعیین نقش‌آفرینان اقتصاد مقاومتی، مشخص کردن اهداف و عوامل انگیزش‌ساز برای نقش‌آفرینی آنها است. سپس ویژگی‌های انسان تراز اقتصاد مقاومتی و نشانه‌های آنها تبیین می‌شود.

^۱ داگلاس. سی نورث (۲۰۰۳)، درک فرآیند تحول اقتصادی، ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب و علی نیکونستی در کتاب «نهادها و توسعه» تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲، ص ۷۵.

^۲ همان، ص ۱۰۲.

^۳ منتزویونس، سی، داگلاس. سی نورث، سید شریک (۲۰۰۴)، یادگیری، نهادها و عملکرد اقتصادی، ترجمه محمود متوسلی، مصطفی سمیعی نسب و علی نیکونستی در کتاب «نهادها و توسعه» تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲، ص ۷۵.

^۳ همان، ص ۱۰۲.

۱ تبیین مؤلفه‌های مهم اقتصاد مقاومتی در مطلع سیاست‌های کلی

سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، نشان می‌دهد که رهبر معظم انقلاب اسلامی با تعیین «اهداف اقتصاد مقاومتی»، علاوه بر تأکید بر استفاده از تمام ظرفیت‌های انسانی کشور برای پیاده کردن این مدل اقتصادی، با معرفی ویژگی‌های «انسان‌های پیشرو»، وظیفه‌ی همگان را در استفاده از ظرفیت و توانمندی آن‌ها دانسته‌اند. در مطلع سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آمده‌است:

«ایران اسلامی با استعدادهای سرشار معنوی و مادی و ذخائر و منابع غنی و متنوع و زیرساخت‌های گسترده و مهم‌تر از همه، برخورداری از نیروی انسانی متعهد و کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت، اگر از الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی که همان اقتصاد مقاومتی است، پیروی کند نه تنها بر همه مشکلات اقتصادی فائق می‌آید و دشمن را که با تحمیل یک جنگ اقتصادی تمام عیار در برابر این ملت بزرگ صف‌آرایی کرده، به شکست و عقب‌نشینی وا می‌دارد، بلکه خواهد توانست در جهانی که مخاطرات و بی‌اطمینانی‌های ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحران‌های مالی، اقتصادی، سیاسی و ... در آن رو به افزایش است، با حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسیو سند چشم‌انداز بیست ساله، اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو را محقق سازد و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام را عینیت بخشد.»^۱

با تجزیه و تحلیل عبارات فوق، کیستی فعالان اقتصاد مقاومتی و چیستی اهداف و انگیزه‌های آن‌ها از سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی به شرح ذیل، استخراج می‌شود:

ایران اسلامی

در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، با استعمال واژه «ایران اسلامی» به جای «دولت اسلامی» یا «ملت اسلامی»، تلاش شده‌است که به تک‌تک عناصر این جامعه، نقش داده و همگان را موظف کنند که خود را در اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی مسئول دانسته و از تمام ظرفیت‌های موجود داخلی برای پیشرفت اقتصادی کشور استفاده شود. به عبارت دیگر در ترسیم الگوی اقتصاد مقاومتی سعی شده‌است که بار عملیاتی‌کردن سیاست‌های اقتصاد مقاومتی از دوش یک مبارز به عنوان «دولت» یا «ملت» برداشته شود و با شکل‌دادن «شبکه بزرگ اقتصاد مقاومتی» بین بخش‌های مختلف به ویژه مردمان جامعه اسلامی، توزیع شود:

^۱ سند سیاست‌های کلی ابلاغی اقتصاد مقاومتی، برگرفته از سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

«این اقتصادی که به عنوان اقتصاد مقاومتی مطرح می‌شود، مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده‌ی مردم، سرمایه‌ی مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند.»^۱ با این زاویه دید، مردم هستند که موتور محرکه همه بخش‌های اقتصادی جامعه اسلامی بوده و طبق اصل سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی، دولتمردان این کشور موظفند تا بستر ساز حضور مردم در جهت حفظ کرامتشان و جلوگیری از سلطه جویی بر آن‌ها و سلطه‌پذیری آن‌ها در سطح ملی و بین‌المللی باشند. سیاست‌های اقتصاد مقاومتی به عنوان مصداقی از قیام در مسیر الهی می‌باشد که در قرآن کریم بیان شده است و همه آحاد جامعه چه فردی و چه جمعی باید برای این هدف قیام کنند.

«قُلْ إِنَّمَا أَعْظَمُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفُرْدَى...»^۲

[ای پیامبر بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه: دو نفر دو نفر و یا یک نفر، یک نفر برای خدا قیام کنید...]

این رویکرد بر مبنای حدیث منتسب به پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله والسلام «كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»^۳ نیز قابل تبیین است که تمام انسان‌ها نسبت به خودشان و دیگران مسئول هستند. شهید مطهری (ره) در رابطه با این حدیث، معتقد است که «تعبیری از این بالاتر نمی‌توان برای اداره جامعه اسلامی یافت کرد، یعنی ایجاد نوعی تعهد و مسئولیت مشترک میان افراد مسلمان برای حفظ و نگهداری جامعه اسلامی بر مبنای تعلیمات اسلامی»^۴

این نوع نگرش در مسئولیت‌پذیری اجتماعی تنها محدود به عصر و دوران رسول اکرم صلی الله علیه وآله والسلام نمی‌باشد و می‌تواند به عنوان یک الگوی سیاست‌گذاری در تمامی دوران‌ها در زمینه اداره جامعه اسلامی مد نظر قرار بگیرد. این رویکرد در نگاه رهبر معظم انقلاب هم به عنوان یک الگوی سیاست‌گذاری در سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی مد نظر قرار گرفته است. تکیه بر مشارکت آحاد مردم در این سیاست‌ها بیانگر این رویکرد است.

۱،۱ چستی انگیزه‌های مردم برای مشارکت در مقاوم کردن اقتصاد

به لحاظ اقتصادی، روان‌شناختی و جامعه‌شناختی انسان‌ها برای مشارکت در هر کاری نیاز به انگیزه دارند. «انگیزه به محرک یا عامل برانگیزاننده‌ای گفته می‌شود که انسان را به سوی هدف یا اهداف مشخصی راهنمایی می‌کند»^۵. هرچه هدف مشخص‌تر باشد، انگیزه‌ها قوی‌تر است.

^۱بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۹۳/۱/۶

^۲سوره سباء، آیه ۴۶

^۳مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۳۸

^۴مطهری، مرتضی، مجموع آثار شهید مطهری، حماسه حسینی، ج ۲، ص ۱۶۸

^۵عزتی، مرتضی، ایمان، عقلانیت و رضایت خاطر، ص ۲۷

در مطلع سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، عامل انگیزه‌دهنده به تک‌تک عناصر جامعه برای شرکت کردن در این مبارزه و اصلاح اقتصادی، مشخص شده‌است: بر اساس سیاست‌های مذکور، منفعت اقتصاد مقاومتی، «حفظ دستاوردهای کشور در زمینه‌های مختلف و تداوم پیشرفت و تحقق آرمان‌ها و اصول قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله و شکل‌گیری اقتصاد متکی به دانش و فناوری، عدالت‌بنیان، درون‌زا و برون‌گرا، پویا و پیشرو و الگویی الهام‌بخش از نظام اقتصادی اسلام» تعریف شده‌است.

اگر ایرانیان حس کنند که پس از رسیدن به اهداف اقتصاد مقاومتی، تک‌تک آن‌ها از مواهب مادی و معنوی آن بهره‌مند می‌شوند خود را از حضور در این مبارزه اقتصادی بی‌بهره نمی‌کنند و اقدام به «شبکه‌سازی» می‌نمایند. درک این منفعت، نیاز به شناخت، باورسازی، نهادسازی، گفتمان‌سازی و تبدیل شدن به «فرهنگ عمومی» جامعه دارد^۲

در بند ۲۱ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی آمده‌است:^۳ علاوه بر رسانه ملی، نظام آموزش و پرورش رسمی و غیر رسمی، در باورسازی و گفتمان‌سازی نسبت به اهداف اقتصاد مقاومتی، نقش اساسی و محوری دارند. این نهادها باید به سرعت، گفتمان اقتصاد مقاومتی را در ذهن آحاد مختلف جامعه نهادینه کرده و با مکانیزم‌های آموزشی و پرورشی، آنان را با مفهوم و اهداف و منافع حاصل از اقتصاد مقاومتی درگیر نمایند. با رویکرد اقتصاد نهادی، فرآیند تغییر اجتماعی را می‌توان به طور خلاصه به صورت زیر مطرح کرد:



شکل (۱) - فرآیند تغییر اجتماعی از یک واقعیت به واقعیت دیگر^۴

بر مبنای چارچوب فوق‌الذکر، ضروری‌ترین اقدام برای مشارکت دادن مردم برای تغییر واقعیت موجود، گفتمان‌سازی برای تبیین اهداف اقتصاد مقاومتی است که منجر به ایجاد باور، اعتماد و تشکیل سرمایه اجتماعی می‌شود. نظریه‌پرداز اقتصاد مقاومتی تصریح می‌کند که:

«باید تصویر درستی از اقتصاد مقاومتی ارائه بشود؛ مسئولین، صاحبان فکر و دلسوزان، بایستی تصویر درستی را از این حرکت بزرگ و عمومی ارائه بدهند و گفتمان‌سازی بشود تا مردم بدانند و معتقد باشند و بخواهند؛ در این صورت، کار عملی خواهد شد»^۵

^۱ سند سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، برگرفته از سایت سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای

^۲ متوسلی و همکاران، نهادها و توسعه، ص ۹۵-۱۱۹

^۳ تبیین ابعاد اقتصاد مقاومتی و گفتمان‌سازی آن به ویژه در محیط‌های علمی، آموزشی و رسانه‌ای و تبدیل آن به گفتمان فراگیر و رایج ملی.

^۴ متوسلی و همکاران، نهادها و توسعه، ص ۱۱۲.

^۵ بیانات رهبر معظم انقلاب، ۱۳۹۲/۱۲/۲

۱,۲ چستی اهداف اقتصاد مقاومتی

در اقتصاد مقاومتی، عاملی که تک تک اعضای جامعه را در کنار هم قرار داده و منسجم می کند، آگاه کردن به اهداف آن و ایجاد باور به تحقق آن هاست؛ درک دقیق و مشترک از چرایی و چگونگی اقتصاد مقاومتی، منجر به هم افزایی نیروها و انباشت سرمایه اجتماعی خواهد شد.

امام رضا (ع) می فرماید: «علم (دانایی و شناخت)، دارندگان خود را بهتر از پدران با هم جمع می کند.»

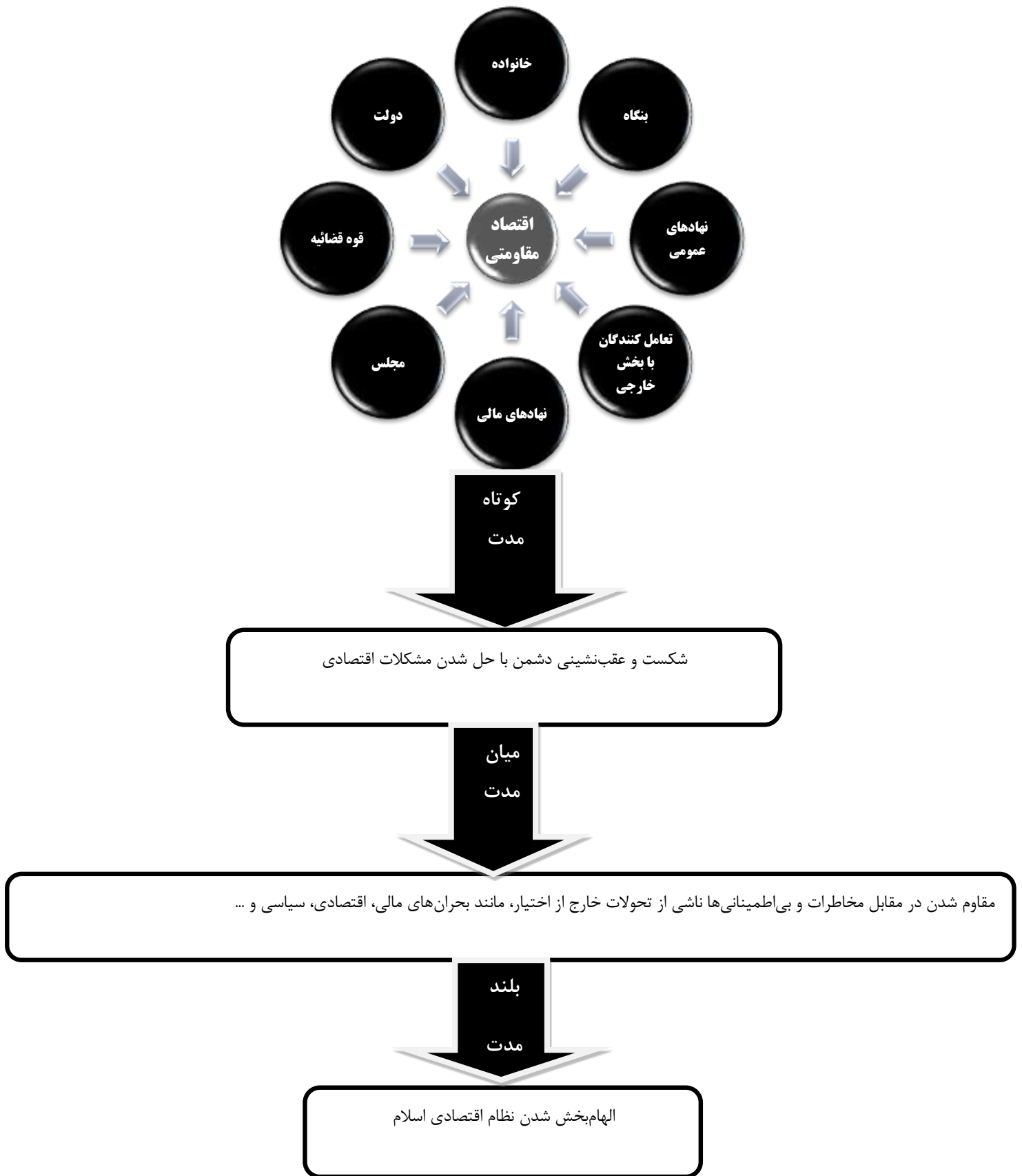
برادران حکیمی در جلد اول کتاب الحیاه تصریح می کنند: «اتحاد آگاهانه مردمان، و حرکتهای هماهنگ سازنده و تکامل بخش اجتماعی و مردمی، همه و همه در گرو شناخت و آگاهی است. دانایی و بصیرت و شناخت است که مردمان را به صورتی درست و بادوام، در کنار هم گرد می آورد و به هدفهای والا می رساند.» شناخت اهداف مهمترین عامل حرکت است. سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی، سه هدف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت را معرفی کرده و نیروها را در جهت رسیدن به این اهداف، سمت و سو داده است:

- هدف کوتاه مدت، عبارتند از: شکست و عقب نشینی دشمن با حل مشکلات اقتصادی؛
- هدف میان مدت، عبارتند از: مقاوم شدن در مقابل مخاطرات و بی اطمینانیهای ناشی از تحولات خارج از اختیار، مانند بحرانهای مالی، اقتصادی، سیاسی و ...؛
- هدف بلندمدت، عبارتند از: الهام بخش بودن نظام اقتصادی اسلام.

واضح است که رابطه بین این اهداف، طولی است. یعنی تحقق اهداف بلندمدت، بدون دستیابی به اهداف میان مدت و کوتاه مدت امکان پذیر نیست. به عبارت دیگر الهام بخش بودن نظام اقتصادی اسلام، بدون حل مشکلات اقتصادی و مقاوم شدن در مقابل مخاطرات و بی اطمینانها امکان پذیر نیست.

طبیعی است که برای رسیدن به هر کدام از اهداف کوتاه مدت، میان مدت و بلندمدت، نوع چینش نیروها و استراتژیهای مبارزه، می تواند متفاوت باشد. مثلاً برای رسیدن به هدف کوتاه مدت که «شکست و عقب نشینی دشمن با حل مشکلات اقتصادی» است، چینش و نوع تاکتیک باید متناسب با «حمله تهاجمی» باشد؛ یعنی، در مرحله اول مبارزه، همه عناصر جامعه، با درک مشترک از وضعیت اقتصادی کشور و بحرانهای پیش رو، رفتارهای خود را برای مقابله همه جانبه با معضلات اقتصادی کشور از قبیل فساد اقتصادی، فعالیت های غیر مولد، رفتار ربوی، تورّم و بیکاری و ... تنظیم کنند.

^۱ محمد رضا حکیمی، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، جلد یک، ص ۱۳۲.



شکل (۲) همگرایی بازیگران اقتصاد مقاومتی در جهت اهداف مشترک آنان

۱,۳ ویژگی‌های اصلی انسان تراز اقتصاد مقاومتی به عنوان بازیگر اصلی

اگر پذیرفته شود که همه مردم در اقتصاد مقاومتی می‌توانند نقش بازی کنند، در بین آن‌ها برخی از عناصر، دارای ویژگی‌های برجسته‌ای هستند که آن‌ها را به عنوان «نیروی پیشرو» یا «بازیگر اصلی» قرار می‌دهند. مهمترین ظرفیت و سرمایه برای مقاومت و پیشرفت اقتصادی، خود «انسان» است که در ادبیات توسعه اقتصادی به «سرمایه انسانی» معروف است. همان‌طور که در مقدمه اشاره شد، این سرمایه در بین تمامی سرمایه‌ها همچون سرمایه فیزیکی، سرمایه مالی، سرمایه اجتماعی و سرمایه معنوی، قادر به فعال کردن و بهره‌برداری سایر سرمایه‌هاست.

شهید مطهری (ره) درباره ویژگی عهده‌داران وظایف بزرگ اجتماعی (نیروهای پیشرو)، معتقد است: «چنین وظیفه سنگینی اولاً آگاهی و اطلاع زیاد می‌خواهد، یعنی هر فرد یا اجتماع ناآگاهی نمی‌تواند این وظیفه را به خوبی انجام دهد، و ثانیاً قدرت و امکان می‌طلبد. انجام‌دادن چنین مسئولیت بزرگ و چنین تکلیف بسیار بزرگی احتیاج به قدرت و نیرو دارد، و ما قدرت و نیروی لازم را برای این موضوع کسب نکرده‌ایم. نیرو را بالقوه داریم ولی این نیرو را جمع نمی‌کنیم»^۱

این ویژگی‌ها الزاماً به سن، جنس، مدرک تحصیلی، نوع شغل، ثروت، طبقه اجتماعی و... ارتباطی ندارد، بلکه متغیرهای زمینه‌ای هستند که میزان تعهد افراد می‌تواند تأثیر بگذارند. چه بسا یک فرد فاقد سواد دانشگاهی اما پرکار، نقش مؤثرتری نسبت به یک فرد دارای تحصیلات دانشگاهی اما کم‌کار و پر توقع داشته‌باشد. یک فرد فقیر با حفظ عزت خود، از یک فرد ثروتمند مسرف، نقش بهتری را در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی داشته‌باشد. چه بسا زنان، با تربیت صحیح فرزندان، نقش خود را بهتر از مردان در تحقق اهداف اقتصاد مقاومتی بازی کنند. چه بسا تأثیر مثبت یک کشاورز ساده یا یک کارگر ساده به دلیل استحکام کارشان، از یک وزیر بیشتر باشد.^۲

در سیاست‌های کلی، نیروهای ویژه اقتصاد مقاومتی، «نیروهای انسانی متعهد، کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت» در هر بخش، معرفی شده‌اند. انتظار می‌رود که برآیند استعدادهای خدادادی و فعالیت‌های آموزشی و پرورشی در سازمان‌های خانواده، آموزش و پرورش، آموزش عالی و رسانه‌ها در سطوح مختلف، منجر به تأمین این نیروی انسانی برای به ثمر رساندن اقتصاد مقاومتی باشد...

آن‌ها چه در سازمان خانواده، چه در سازمان بنگاه، چه در سازمان دولت و چه در سازمان تعامل‌کنندگان با بخش خارجی، به واسطه عوامل انگیزشی و با استفاده از ابزار مادی و معنوی به واسطه نهادهایی قابلیت

^۱مطهری، مرتضی، مجموع آثار شهید مطهری، حماسه حسینی، ج ۱۷، ص ۲۸۲

^۲ساکي، رضا، زهره قلی پور هفتخوانی و منیره رضایی، بررسی رابطه تعهد سازمانی معلمان با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان در مدارس راهنمایی دخترانه منطقه ۶ شهر تهران: فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی، مهر ۱۳۸۹ - شماره ۱۳، ص ۶۲.

پیدا می‌کنند که مدل اقتصاد مقاومتی را پیاده‌سازی کرده و حداقل، مجموعه منتسب به خود را در اجرای این مدل، به تحرک وا دارند.

هم‌افزایی سه ویژگی تعهد، کارآمدی و عزم راسخ داشتن برای پیشرفت اقتصادی کشور، موتور محرکه‌ای است که ماشین جنگی اقتصاد مقاومتی را از هر مجموعه‌ای به حرکت در می‌آورد و موجب انباشت سرمایه اجتماعی و هم‌افزایی نیروها به سمت اهداف مطلوب می‌شود. بر این اساس:

- در نهاد خانواده، پدر یا مادر متعهد و کارآمد با عزم راسخ برای پیشرفت، عامل تحرک خود، خانواده خود، بستگان و آشنایان خود می‌تواند باشد.
- در نظام آموزش و پرورش، معلم و دانش‌آموز متعهد و کارآمد با عزم راسخ برای پیشرفت، عامل تحرک خود و همکاران خود خواهد شد.^۱
- در نظام آموزش عالی، استاد و دانشجوی متعهد و کارآمد با عزم راسخ برای پیشرفت، عامل تحرک خود و سایر همکارانشان خواهند شد.

و...

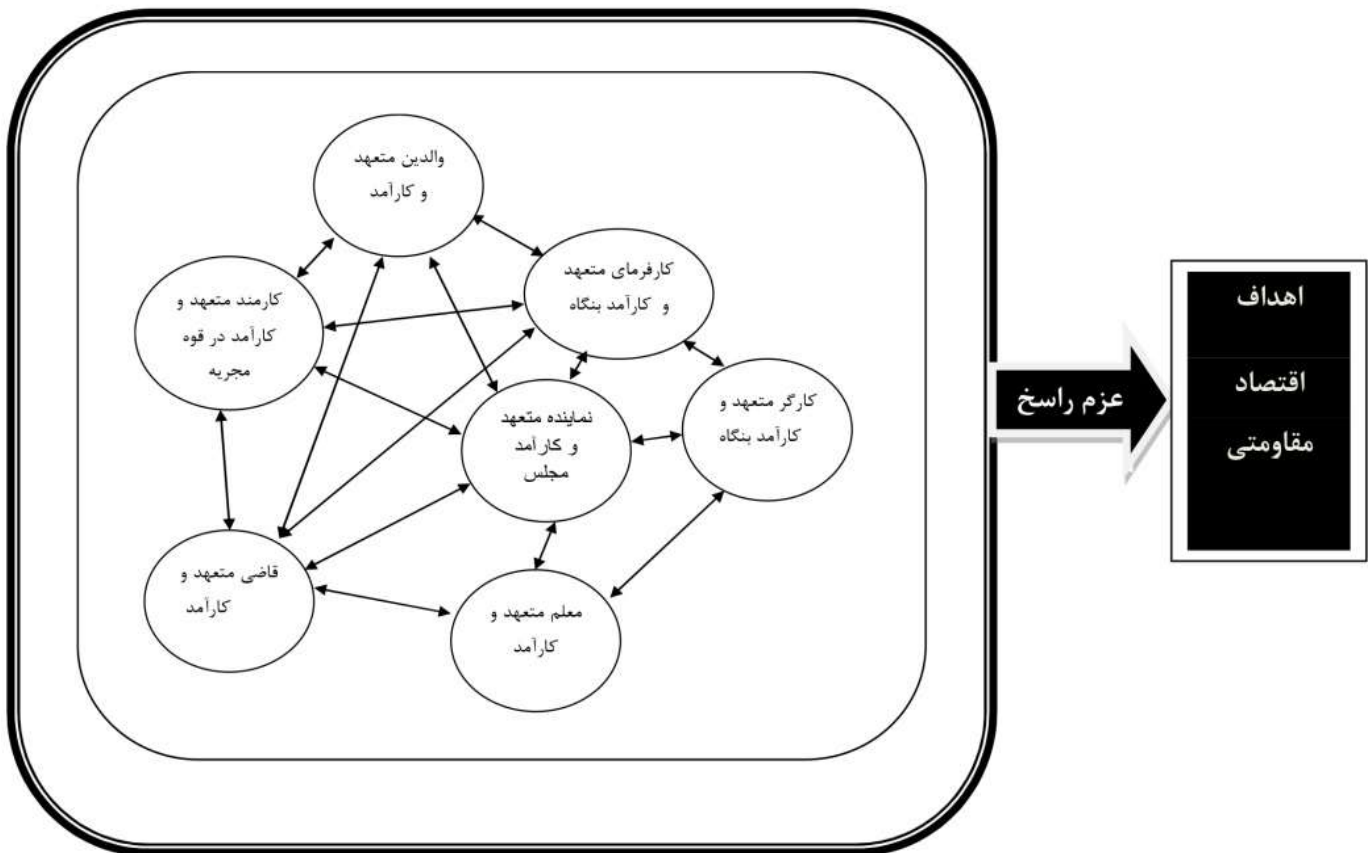
«نیروی پیشرو» نزد طراح الگو، کسی است که در عمل، سه‌گانه‌ی «متعهدترین، کارآمدترین و با اراده‌ترین فرد برای پیشرفت» را نسبت به دیگران داشته‌باشد. این فرد در سازمان‌های مختلف خانواده، بنگاه، قوای سه‌گانه، نهادهای عمومی و تعامل‌کنندگان با بخش خارجی مورد شناسایی قرار گرفته و بایستی بر اساس بند ۲۰ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، به وی نشان «اقتصاد مقاومتی» داده شود:

«تقویت فرهنگ جهادی در ایجاد ارزش افزوده، تولید ثروت، بهره‌وری، کارآفرینی، سرمایه‌گذاری و اشتغال مولد و اعطای نشان اقتصاد مقاومتی به اشخاص دارای خدمات برجسته در این زمینه».^۲

این عناصر نه تنها عامل تحرک خود و محیطشان هستند، بلکه با سایر نیروها، تعاملات دوجانبه و چند جانبه داشته و به صورت شبکه‌ای اهداف اقتصاد مقاومتی را پیگیری می‌کنند.

^۱ سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

^۲ سند سیاست‌های ابلاغی اقتصاد مقاومتی، برگرفته از سایت دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای



شکل (۳) اثرات متقابل سازمان «انسان‌های متعهد و کارآمد و با عزم راسخ برای پیشرفت» در شبکه اقتصاد مقاومتی

مشخصه‌های انسان متعهد، کارآمد و دارای عزم راسخ برای پیشرفت

همان‌طور که در قسمت قبل تبیین شد طراح مدل اقتصاد مقاومتی برای اجرای آن، نیازمند «انسان تراز اقتصاد مقاومتی» هست. ویژگی اصلی این انسان، تعهد، کارآمدی و دارا بودن عزم راسخ برای پیشرفت معرفی شد. این انسان، نشانه‌هایی دارد که متغیرهای کیفی مذکور را تبیین می‌کنند.

شناخت این نشانه‌ها به سیاست‌گذار، قانون‌گذار و سایر نهادها کمک می‌کند که با کاهش هزینه‌های مبادلاتی، بستر را برای تربیت، تقویت و پیشتاز بودن این نیروها در هر سطحی فراهم کند. در این قسمت به مهمترین نشانه‌ها اشاره خواهد شد:

مشخصه‌های تعهد

متعهد در لغت به معنای ضامن، برعهده گیرنده و دارای حس مسئولیت در برابر ادای وظیفه است. انسان متعهد، انسانی است که عهدی می‌بندد و خود را موظف به انجام کارها و وظایفی می‌کند که از طرف مقابل بر او محول شده است. مثلاً انسان متعهد، به واسطه عهدی که با خدا بسته است، خود را موظف به انجام دستورات خدا می‌کند یا به واسطه عهدی که با خانواده، گروه یا سازمان خود می‌بندد، خود را موظف به انجام وظایف خانوادگی، گروهی یا سازمانی خود می‌کند.

اعتصامی، تعهد را شاخصه «سرمایه اجتماعی درونی» دانسته و معتقد است که این شاخصه، زیربنایی‌ترین و بنیادی‌ترین نوع «سرمایه اجتماعی» است. شخص در این ارتباط، خود را در مقابل وجدان آگاه و بیدارش متقاعد به انجام صادقانه و درست کارها، فعالیت‌ها و امثال درست دستورات کسی می‌کند که با او عهد بسته است.^۲

حضرت علی (ع) می‌فرماید که «هیچ یک از واجبات الهی همانند وفای به عهد نیست که همه مردم جهان با اختلافاتی که در افکار و تمایلات دارند، در آن اتفاق نظر داشته باشند».^۳

رهبر معظم انقلاب اسلامی معتقدند که «وجود چالش، انسانهای متعهد را به نگاه به ظرفیتهای موجود و احياناً معطل مانده و ادار می‌کند».^۴ نشانه‌های انسان متعهد، به شرح ذیل می‌باشد:

دین‌دار

انتظار می‌رود انسان دین‌دار بر اساس قواعد صریح ادیان و قاعده‌مندی این نهاد، انسان متعهدی باشد. برخی از جامعه‌شناسان، دین را دارای وجوهی می‌دانند که انسان مدعی دین‌داری به این ابعاد توجه می‌کند. مقالات مختلفی درباره دین‌داری و قواعد آن منتشر شده است. یکی از پر استنادترین مقالات این حوزه، مدل سنجش دین‌داری شجاعی زند (۱۳۸۴ و ۱۳۸۸) است.^۵ وی بر اساس ابعاد

^۱ معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات فردوس، چاپ اول، سال ۱۳۸۱. ه. ق. ص ۳۰۷.

^۲ اعتصامی، منصور، جایگاه پیوند سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۱۸۴.

^۳ علی دشتی، نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۵۸۸.

^۴ بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۳/۲/۳۱.

^۵ شجاعی زند، علیرضا (۱۳۸۴)، مدلی برای سنجش دین‌داری، فصلنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، شماره یک، ۶۶-۳۴.

وجودی انسان، وجوه دین را به معرفتی، عاطفی و عملی تقسیم کرده است.^۱ از دیدگاه او، دین‌داری یعنی داشتن اهتمام دینی به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر می‌کند. دین‌دار، کسی است که نشانه‌های دینداری را داشته باشد. نشانه‌های دینداری عبارتند از داشتن معلومات دینی، داشتن ظاهر دینی، ابراز هویت دینی، داشتن اهتمام شعائری، داشتن مشارکت دینی، داشتن معاشرت دینی، اهتمام دینی به عمل به دستورات.

جدول (۱) - نشانه‌های دینداری

ابعاد وجودی انسان	وجوه دین	ابعاد دین	ابعاد دینداری	نشانه‌های دینداری	پیامدهای دینداری
ذهن	معرفتی	اعتقادات	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	بینش الهی داشتن
روان	عاطفی	ایمانیات	مؤمن بودن		اهل معنا بودن
		عبادات	اهل عبادت بودن		
			انجام فردی عبادات		
		انجام جمعی عبادات			
اخلاقیات	اخلاقی عمل کردن				
تن	عملی	شرعیات	عمل به تکلیف فردی	داشتن ظاهر دینی	متقی بودن
			ابراز هویت دینی		
		عمل به تکلیف جمعی	داشتن اهتمام شعائری		
			داشتن مشارکت دینی		
			داشتن معاشرت دینی		
			اهتمام دینی عمل به دستورات دینی		

مأخذ: مدل سنجش دینداری (شجاع زند، ۱۳۸۴)

^۱ شجاعی زند، علیرضا، جامعه‌شناسی دین، تهران: نشر نی (۱۳۸۸)

از منظر درون دینی نیز، دین‌دار، کسی است که در همه‌ی ابعاد زندگی به اوامر و نواهی خداوند که از طریق آیات و روایات به او منتقل شده‌است، در آشکار و نهان، پایبند باشد. اعتصامی معتقد است که «مؤلفه شناختی - گرایشی از پنهانی‌ترین و درونی‌ترین ویژگی‌های افراد نشأت می‌گیرد. به نوعی آغاز بروز و ظهور سرمایه اجتماعی است.»^۱

مقام معظم رهبری تصریح می‌کنند که:

« آن چیزی که از همه عناصر، بیشتر اهمیت دارد و می‌تواند مثل کلیدی قفل‌های بسته را در همه موارد و مسائل باز کند، عبارت است از ایمان عمیقی که هم همت را برمی‌انگیزد، هم بازوان و گام‌ها را محکم می‌کند و هم دل‌ها را استحکام می‌بخشد و انسان امید پیدا می‌کند.»^۲

متخلّق بودن به اخلاق اسلامی کار مانند قناعت داشتن، زیاد کار کردن، کار درست انجام دادن یا استحکام در کار؛ درست مصرف کردن؛ چرخش مالی پاک داشتن (رزق حلال) اعمال صالح بوده و نشانه‌های عملی دینداری است^۳

معتقد به انقلاب اسلامی و توانائی‌های ملی

دومین نشانه‌ی انسان‌های متعهد، انقلابی بودن است. انقلابی بودن، یعنی اهتمام به شعائر و ارزش‌هایی است که برگرفته از آموزه‌های اسلامی بوده و مردم ایران برای پیاده شدن آن ارزش‌ها جهاد و مقاومت کرده و از جان و مال خود گذشت کردند. انسان انقلابی، حاضر است برای تحقق اهداف انقلابش، از جان و مال خود گذشت کند. اگر فرد انقلابی نباشد، هیچ تعهدی برای پیشرفت کشورش و مشارکت در اقتصاد مقاومتی نخواهد داشت و به راحتی زیر بار نظام سلطه خواهد رفت.

طراح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، معتقد است که نیروی پیشرو اقتصاد مقاومتی، انقلابی است. زیرا «علاج دردهای این ملت و وسیله‌ی رسیدن به آرمان‌های این ملت، شعارهای انقلاب است؛ اینها باید حفظ شود... آن کسی که عقیده‌اش این است که این ماشین باید راه نیفتد، این را نمی‌شود پشت رُل گذاشت. یک آدمی که عقیده‌اش این است که از این جا باید این اتومبیل حرکت نکند، این شخص را پشت فرمان خودرو بگذاریم، هیچ وقت این اتومبیل حرکت نخواهد کرد. باید کسی را بگذاریم که معتقد به این حرکت باشد، معتقد به این راه باشد، معتقد به آن هدف باشد، معتقد به توانائی‌های ملی باشد، معتقد به اسلام، معتقد به انقلاب باشد و شاخص‌ها را قبول داشته‌باشند.»^۴

^۱اعتصامی، منصور، جایگاه پیوند سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱، ص ۱۸۲.

^۲بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۲/۱۱

^۳آرشدی، نسرین و صالحه پیریایی (۱۳۹۳)، رابطه اخلاق کار اسلامی و عملکرد شغلی، خشنودی شغلی و قصد ترک شغل کارکنان، دو فصلنامه علمی - پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱، ص ۲۱۵.

^۴بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۶/۱۱/۲۸

مشخصه انقلابی‌گری، بی تفاوت نبودن نسبت به مسائل مملکت، شرکت در انتخابات و مراسم‌های مربوط به انقلاب اسلامی، تلاش برای بالفعل کردن ظرفیت‌های بالقوه و خدمت کردن به اقشار مختلف جامعه اسلامی برای بالا بردن سطح رفاه آن‌ها است.

وظیفه‌شناسی و تکلیف‌گرا

وظیفه‌شناسی و تکلیف‌گرایی نشانه دیگر انسان متعهد است. هر کدام از این انسان‌ها ضمن مطلوب‌شناسی و آرمان‌خواهی، نقش اصلی را برای رسیدن به مطلوب، بر عهده «خود» می‌گذارند. یعنی اثر جزء بر کل را درک می‌کنند.

رهبر انقلاب اسلامی به عنوان طلایه‌دار نظریه اقتصاد مقاومتی، چه در نظر و چه در عمل، تجمیع‌کننده جزء و کل هستند. ایشان در مقام نظر، معتقدند که: «در جمهوری اسلامی، هر جا که قرار گرفته‌اید، همان جا را «مرکز دنیا» بدانید و آگاه باشید که «همه کارها به شما متوجه است.»^۱ و در مقام عمل نیز معتقدند که در زندگی خودشان، هر جا مکلف بوده‌اند، حضور پیدا کرده و آنجا را «مرکز دنیا» می‌دانستند.

«چند ماه قبل از رحلت امام (رضوان الله علیه)، مرتب از من می‌پرسیدند که بعد از اتمام دوره ریاست جمهوری، می‌خواهید چه کار کنید؟! من خودم به مشاغل فرهنگی زیاد علاقه دارم؛ فکر می‌کردم که بعد از اتمام دوره ریاست جمهوری، به گوشه‌ای بروم و کار فرهنگی بکنم. وقتی از من چنین سؤالی کردند، گفتم اگر بعد از پایان دوره ریاست جمهوری، امام به من بگویند که بروم رئیس عقیدتی، سیاسی گروهان ژاندارمری زابل بشوم، حتی اگر به جای گروهان، پاسگاه بود، من دست زن و بچه‌ام را می‌گیرم و می‌روم. والله این را راست می‌گفتم و از ته دل بیان می‌کردم؛ یعنی برای من زابل، مرکز دنیا می‌شد و من در آن جا مشغول کار عقیدتی، سیاسی می‌شدم. به نظر من، بایستی با این روحیه کار و تلاش کرد و زحمت کشید؛ در این صورت خدای متعال به کارمان برکت خواهد داد.»^۳

اگر مادری احساس کند که خانه وی، مرکز دنیاست و همه کارها متوجه عملکرد اوست، با ایجاد آرامش در منزل و تربیت درست فرزندش، به پیشرفت پایدار کشور کمک می‌کند، ارزش مادرداری را دانسته و تمام فکر و ذکر خود را بر این امر قرار می‌دهد.

اگر کارگری احساس کند که بنگاه وی مرکز دنیاست و همه کارها متوجه عملکرد اوست، با تولید مطلوب محصول خود، به پیشرفت پایدار کشور کمک می‌کند، ارزش مادرداری را دانسته و تمام فکر و ذکر خود را بر این امر قرار می‌دهد.

^۱ رهبر معظم انقلاب اسلامی، ۱۳۷۰/۱۲/۵

^۲ همان

^۳ بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۰/۱۲/۵

با این رویکرد، تک تک عناصر جامعه، در اقتصاد مقاومتی جایگاه خود را برای رسیدن به آرمان‌های اقتصاد مقاومتی پیدا می‌کنند.

پیرو الگوی اقتصادی بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی

مؤلفه‌های موجود در اسناد فرادستی ملی و بیانات رهبران انقلاب اسلامی از بدو شروع نهضت اسلامی در ایران تاکنون، بیانگر این است که گفتمان غالب این نهضت مردمی، به دنبال زمینه‌سازی برای تحقق همزمانی پیشرفت و عدالت در جهت رستگاری آحاد مختلف مردم در سطح ملی و بین‌المللی است. با این رویکرد، این گفتمان به شرط درست عمل کردن نیروهای عملیاتی آن و الگوسازی رفتار آن‌ها، قابلیت تجمیع مردم را در سطح ملی و بین‌المللی حول محور خود دارد. چون انسان‌ها به طور ذاتی طالب پیشرفت و عدالت هستند و ایجاد همزمانی هر دو در جامعه اسلامی، باعث افزایش رضایت خاطر آنان می‌شود. لذا این گفتمان ظرفیت تشکیل سرمایه اجتماعی را دارد.

پس از انقلاب اسلامی ایران، امام راحل (ره)، به عنوان انسان متعهد و کارآمد با عزم راسخ برای پیشرفت (آرمان‌خواه و مطلوب‌شناس، واقعیت‌شناس، موقعیت‌شناس و منعطف، دیندار، دردمند و دغدغه‌مند) برای الگوی بومی و برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی به فکر الگوسازی افتادند و در جهت حل مسئله فقر و بی‌سوادی، با هدف محرومیت‌زدایی مادی و علمی، نهادهای انقلابی و مردمی شکل دادند که توانستند در دوره کوتاه‌مدت و به صورت جهادی، تا حدود زیادی فقر مادی و علمی بخش زیادی از روستائیان و ساکنان مناطق محروم را کاهش دهند.

متأسفانه، متولیان امر و مراکز آموزشی و پژوهشی، پس از دفاع مقدس، عملکرد سازمان‌های موفق برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی در کشور را الگوسازی نکرده‌اند. در صورتی که همین الگوها می‌توانست در متن کتب درسی رشته‌های مربوطه از جمله اقتصاد، مدیریت، جامعه‌شناسی و... وارد شده و در دانشگاه‌های کشور نقد و بررسی شود و متناسب با نیازهای روز، «نهادهای مردم محور» دیگری شکل داده شود.

الگوی جهاد سازندگی، نهضت سوادآموزی، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، کمیته امداد امام خمینی (ره)، سازمان اقتصاد اسلامی، بسیج و... که متکی به حضور مردم بود، الگوهایی هستند که قابلیت مطالعه، الگوسازی مجدد و توسعه دادن متناسب با نیازهای جامعه امروز هستند. معمولاً این نهادها با کمترین هزینه و بیشترین منفعت مادی و معنوی، اقدام به ایجاد و اصلاح زیرساخت‌های کشور نموده‌اند.

لذا انسان متعهد، ظرفیت گفتمانی انقلاب اسلامی را درک نموده و آن را عامل مؤثری برای سرمایه‌گذاری و پیشرفت اقتصادی می‌داند. او متولیان تولید علم در کشور را موظف به استفاده از این ظرفیت کرده و خود را پیرو الگوهای برآمده از این ظرفیت می‌کند. با بررسی تجارب موفق قبلی یا مراجعه به افراد متخصص و متبحر، تقاضای الگوی متناسب با ظرفیت‌های اسلامی ایرانی می‌کند.

«مجموعه‌ی سیاست‌های اقتصاد مقاومتی در واقع یک الگوی بومی و علمی است که برآمده‌ی از فرهنگ انقلابی و اسلامی ما است؛ متناسب با وضعیت امروز و فردای ما است. من شرح خواهم داد که این مربوط به وضع کنونی و شرایط کنونی کشور نیست، این یک تدبیر بلندمدت برای اقتصاد کشور است؛ می‌تواند اهداف نظام جمهوری اسلامی را در زمینه‌ی مسائل اقتصادی برآورده کند؛ می‌تواند مشکلات را برطرف کند؛ درعین حال پویا هم هست؛ یعنی ما این سیاست‌ها را به صورت یک چهارچوب بسته و متحجر ندیده‌ایم، قابل تکمیل است، قابل انطباق با شرایط گوناگونی است که ممکن است در هر برهه‌ای از زمان پیش بیاید؛ و عملاً اقتصاد کشور را به حالت "انعطاف‌پذیری" می‌رساند؛ یعنی شکنندگی اقتصاد را در مقابل تکانه‌های گوناگون که اشاره خواهم کرد برطرف می‌کند.»^۱



شکل (۴) چگونگی ایجاد تقاضا برای الگوی اقتصاد مقاومتی

دردمندی و دغدغه‌مندی

نشانه‌ی دیگر انسان متعهد، «احساس نیازمندی به پیشرفت»، «دردمندی» و «دغدغه‌مندی» نسبت به مسائل خود و جامعه است. این ویژگی، انسان متعهد را به تحرک وادار می‌دارد. اگر کسی احساس نیاز و درد کند، به فکر پیدا کردن راه درمان می‌افتد.

مردم در کشوری که مالک استعدادهای سرشار معنوی، مادی و ذخائر و منابع غنی است، به شدت احساس استغنا و بی‌نیازی می‌کنند. لذا، نسبت به کشوری که احساس می‌کند از هیچ ذخائر و منابع غنی و متنوع برخوردار نیست، بی‌برنامه‌تر، قانون‌گریزتر، غیر مولدتر، مسرف‌تر و مصرف‌گراتر خواهند شد. قرآن به صراحت می‌فرماید که اگر انسان (در هویت فردی، خانوادگی یا جمعی)، احساس استغنا کند، طغیان می‌کند.

در سوره علق آیات ۶ و ۷ بر این موضوع تأکید دارد که

«إِنَّ الْأِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ﴿۱﴾ إِنَّ الْأِنْسَانَ لَطَافٌ ﴿۲﴾ * أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى ﴿۳﴾»

^۱بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲/۱۲/۲۰

اعضای جامعه، اگر احساس کنند که نیازمند به مبارزه نیستند و یا همیشه در مبارزه پیروزند، تلاش کمتری برای مبارزه خواهند کرد و در طول زمان، انگیزه‌هایشان برای تمرین کردن، به روز کردن خود و مبارزه کردن، کم می‌شود. وجود منابع بالقوه مادی زیرزمینی (نفت و گاز) در یک قرن اخیر، منجر به احساس بی‌نیازی دولت و ملت از اصلاحات ساختاری اقتصاد ایران، شده‌است. مشارکت مردم در صحنه مبارزه اقتصادی، نسبت به حضور دولت در اغلب بخش‌های اقتصادی، کمرنگ شده‌است و انتظارات مردم از حاکمیت برای حل مشکلات اقتصادی روزمره خود، به شدت زیاد است. از طرفی دولتمردان نیز در عمل، احساس نیاز کمتری به حضور مردم در اقتصاد می‌کرده‌اند.

«در کشور و اقتصادی که متکی به منابع زیرزمینی است و ثروت باد آورده در آن کشور حاکم است، نخبه، نه شناسایی می‌شود، نه جذب می‌شود، نه اصلاً احتیاج به نخبه، احساس می‌شود. وقتی قرار شد که ما این ثروت ذخیره‌ی تاریخی خودمان را از زیر زمین بکشیم بیرون، مدام خام‌فروشی کنیم، به حالت «بچه پولداری ملی» این جوری بگوییم؛ مثل بچه پولدارها که قدر پول را نمی‌دانند، هر جور دستشان بیاید خرج می‌کنند، کشور را بخواهیم اداره کنیم، آنجا نه نخبه شناسایی می‌شود، نه به نخبه احساس احتیاج می‌شود، نه نخبه می‌تواند نقش ایفا کند. نتیجه هم همین می‌شود که سرنوشت کشور می‌افتد دست آن کسانی که سیاست‌گذاران کلان دنیای نفت و منابع زیرزمینی‌اند.»



شکل (۵) نشانه‌های انسان متعهد

نشانه‌های انسان کارآمد:

آرمان‌خواه

نشانه‌ی اول برای انسان‌های کارآمد، آرمان‌خواهی‌شان است. به عبارت دیگر، آن‌ها نقطه‌ی مطلوب را برای خود و جامعه‌شان مورد شناسایی قرار داده و آرمان‌های خود را در تحقق رسیدن به این نقطه،

جستجو می‌کنند: «پیشرفت اقتصادی»، «مقاوم شدن اقتصاد»، «تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست ساله کشور»، «تحقق عدالت علوی» و «پیشرفت اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی اخلاق مدار» می‌تواند از آرمان‌های یک انسان متعهد و کارآمد و با عزم راسخ برای پیشرفت باشد. طراح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، آرمان‌خواهی را از ویژگی‌های مشارکت‌کنندگان در اجرای عملی اقتصاد مقاومتی می‌داند. رهبر معظم انقلاب اسلامی رسیدن به اقتصاد مقاومتی را جزء آرمان‌ها می‌داند:

«یک آرمان، اقتصاد مقاومتی است؛ سلامت در جامعه، صنعت برتر، کشاورزی برتر، تجارت پر رونق، علم پیشرو، اینها همه‌اش جزو آرمان‌ها است. نفوذ فرهنگی در جهان، نفوذ سیاسی در جهان و در منظومه‌ی سیاسی سلطه در عالم، اینها همه‌اش جزو آرمان‌ها است. رسیدن به عدالت اجتماعی، جزو آرمان‌ها است. بنابراین وقتی می‌گوئیم آرمان، ذهن ما به یک امر غیر قابل تعریف دور از دسترسی نرود؛ آرمان یعنی اینها، اینها همه آرمان‌هایند؛ البته در درجات مختلف... آن مجموعه‌ای که فرض کنیم در راه اقتصاد مقاومتی کار می‌کند، یا آن مجموعه‌ای که در زمینه‌ی گسترش فرهنگ انقلابی و اسلامی در دنیای اسلام تلاش می‌کند، اینها همه دارند کار آرمانی می‌کنند. آن کسی که همین تلاش را در زمینه‌ی سیاسی و دیپلماسی دارد انجام می‌دهد، کارش آرمانی است. آن کسی که فرضاً در زمینه‌ی سلامت تلاش می‌کند، دارد کاری برای آرمان‌ها انجام می‌دهد. آرمان‌ها اینها هستند؛ مجموعه‌ی رتبه‌های مختلف برای آرمان‌ها، و همه لازم.»^۱

واقعیت شناس

از نشانه‌های دیگر انسان کارآمد، این است که پس از شناختن نقطه مطلوب، وضع موجود خود و جامعه‌اش را مورد شناسایی دقیق قرار داده و مسیر حرکت از «واقع موجود» به «وضع مطلوب» را در چارچوب تخصص خود، ترسیم می‌نماید. رهبر معظم انقلاب فهم رابطه بین آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی را لازم می‌داند. ایشان تصریح می‌کنند:

«بایستی دو خصوصیت «آرمان‌گرایی» و «واقع‌بینی» را در نظر داشت. نگاهتان نگاه آرمان‌گرا باشد. از آرمان‌ها پائین نیائید، کوتاه نیائید. نگاه باید نگاه آرمانی باشد، منتها با توجه به واقعیت. سقفی را معین می‌کنیم؛ منتها تکلیفی را که برای خودمان یا دولت یا مسئولین معین خواهیم کرد، بایستی با توجه به واقعیت‌های موجود باشد، منتها به طرف آن آرمان، تا هی این توانائی‌ها روزبه‌روز بیشتر شود. واقع‌گرایی به معنائی که در مقابل آرمان‌گرایی است، مطلوب نیست. ملاک این است که ما می‌خواهیم به آن آرمان‌ها برسیم؛ منتها در کنار این، واقع‌بینی لازم است؛ نباید دچار توهم شد. گاهی ممکن است انسان در تصمیم‌گیری، در آنچه که باید انجام بگیرد، دچار توهم باشد؛ خوب، این هم غلط است. آرمانها را باید

^۱بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۲/۵/۶

در نظر داشت. پله‌ها را باید مطابق با واقعیت‌هایی که وجود دارد، یکی پس از دیگری چید و به سمت آن آرمانها پیش رفت. این یک نکته است»^۱

هر نیروی تراز «اقتصاد مقاومتی» از خود سؤال می‌کند:

۱. اگر نقطه مطلوب من، پیشرفت کشورم باشد، چه توانایی‌هایی دارم و چگونه از این توانایی‌ها می‌توانم در جهت پیشرفت کشورم استفاده کنم؟
۲. چه ابزاری در اختیار دارم تا به آرمان‌هایم برسم؟
۳. چگونه و با چه اقداماتی می‌توانم اعضای دیگر جامعه خود را در تحقق این مسیر قرار دهم؟
۴. چگونه می‌توانم منافع این مسیر را برای دیگران تبیین کنم؟
۵. چگونه می‌توانم همفکران خود را پیدا کنم؟

موقعیت شناسی و انعطاف پذیر

انسان کارآمد، جایگاه و وظیفه خود را در شبکه اقتصاد مقاومتی می‌شناسد و آثار رفتار خود را بر سایر عناصر این شبکه، تجزیه و تحلیل می‌کند. ضمن اینکه انعطاف پذیر است. یعنی هر جایی که لازم باشد، نقش خود را ایفا می‌کند.^۲

از امام علی (ع) پرسیدند: عاقل را برای ما توصیف کن! گفتند

امام علی (ع) به او گفتند: عاقل کسی است که هر چیز را در جای خود قرار دهد.^۳ یا در جایی پیامبر اکرم (ص) می‌فرمایند: «ارزشمندترین مردمان کسی است که به آنچه به او مربوط نیست نپردازد.»^۴

موقعیت شناسی دارای پنج نشانه است:

- ۱- جایگاه تخصصی خود را در شبکه اقتصاد مقاومتی می‌شناسد؛
- ۲- هر جایی که دیگران تخصص و تبحر دارند و کارآمدی خودشان را در مسیر رسیدن به اهداف، نشان داده‌اند ورود پیدا نمی‌کند؛
- ۳- هر جایی که دیگران از او کمک بخواهند و در جهت اهداف و آرمانهای کلان کشور باشند، ورود پیدا می‌کند؛
- ۴- هر جایی که از طرف دیگر اعضای سازمان، کم‌کاری مشاهده کند، با روش درست، به اصلاح رفتار آن‌ها همت می‌گمارد.

^۱بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۹/۳

^۲مطلبی، سید محمد موسی و لیلی عسکری (۱۳۹۲)، قانون کار ایران و انعطاف‌پذیری، فصلنامه کار و جامعه، شماره ۱۵۶، ص ۱۵.

^۳الحیاه، ج اول، ص ۱۸۲.

^۴الحیاه، ج اول، ص ۴۸۰.

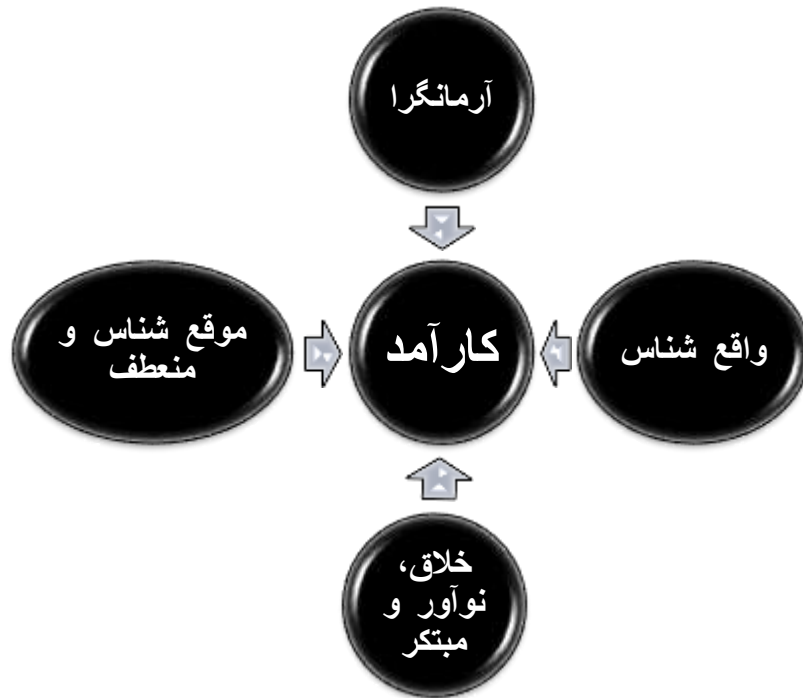
۵- هر جایی که احساس کند، خلأ وجود دارد، با توانمند کردن خود به سمت پرکردن خلأها می‌رود.

خلاق، نوآور و مبتکر

یکی از نشانه‌های انسان کارآمد، خلاق، نوآور و مبتکر بودن اوست. انسان مسئله‌شناس با خلاقیت و ابتکار خود، مسیر طولانی حل مسائل زندگی را کوتاه کند و راه را برای مقابله با مشکلات زندگی با سرعت بیشتری طی می‌کند. طراح مبارزه اقتصادی، ویژگی عضو تشکیلات اقتصاد مقاومتی را نوآوری و خلاقیت می‌داند.

«ما لحظه به لحظه، احتیاج به نوآوری داریم؛ نه فقط نوآوری در صنعت یا کشاورزی، نوآوری در روش‌های گوناگونی که برای زندگی یک ملت ممکن است مطرح شود؛ بروز استعدادها، شکوفا شدن فکرها و ذهن‌ها. ما یک ملت عقیم نیستیم بحمدالله. ملت ما، ملتی است که تاریخ او نشان می‌دهد که پیش‌رونده و زاینده و دارای استعداد است؛ بنابراین می‌توانیم. ما از دنیا دویست سال عقب ماندیم. این واقعیت تلخی است که باید این را قبول کنیم. عامل این عقب‌ماندگی چه بود، یک بحث دیگر است؛ واقعیت این است؛ واقعیت این است که ما دویست سال حداقل از قافله‌ی پیشرفت‌های بشری عقب ماندیم. همه‌ی آنچه که شما شنیدید و مشاهده می‌کنید و آنچه که وجود دارد که به مراتب بیشتر از آن چیزی است که در این جلسه بیان شد، در سطح کشور، از فعالیت‌ها، از کارها، از نوآوری‌ها - اینها همه در مجموع، بخشی از این عقب‌ماندگی‌ها را می‌تواند جبران کند و اگر استمرار پیدا کند و افزایش پیدا کند و این فعالیت‌ها با نوآوری و همت ما مضاعف شود، آن وقت خواهیم توانست جایگاه خودمان را پیدا کنیم.»^۱

^۱بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۸۷/۲/۱۷



شکل (۶) نشانه‌های انسان کارآمد

شاخص‌های انسان دارای عزم راسخ بودن برای پیشرفت

دارای اعتماد به نفس ملی

انسان متعهد و کارآمد با عزم راسخ برای پیشرفت، دارای قاعده «اعتماد به نفس ملی» است. در جامعه اسلامی، مسلمانان نباید احساس خواری و ذلت کنند و خود را زیر قدرت دیگری قرار دهند. احساس ذلت کردن، اعتماد به نفس ملی را از بین می‌برد و جامعه‌ی اسلامی را به ذلت می‌کشاند. حضرت علی (ع) می‌فرماید:^۱

«هر عزیز و نیرومندی که زیر قدرت دیگری واقع شود، خوار و ذلیل است.»

اگر این ویژگی نباشد، انسان متعهد و کارآمد، قدرت حرکت پیدا نمی‌کند. اعتماد به نفس، سوخت ماشین جنگی را فراهم می‌کند و بازیگران اصلی جنگ اقتصادی را آماده می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی تصریح می‌کنند که «اگر اعتماد به نفس نباشد، پایه‌های سازندگی کشور متزلزل خواهد شد.»^۲ اگر خانواده‌ها، بنگاه‌ها، دولت و... اعتماد به نفس نداشته‌باشند، وارد عرصه جنگ اقتصادی نخواهند شد. «استقلال این است که یک

^۱ محمد رضا حکیمی و همکاران، الحیاه، جلد اول، ص ۴۵۳.

^۲ بیانات مقام معظم رهبری ۷۵/۶/۸

ملت به هویت خود و به عزت خود، معتقد و برای او اهمیت قائل باشد، برای حفظ او تلاش و کار کند و در مقابل متعرضین و مستهزئین، شرمنده‌ی اظهارات و جایگاه خود نباشد.^۱

امیدوار به آینده

امیدوار به آینده، موتور محرکه انسان متعهد و کارآمد با عزم راسخ برای پیشرفت است. ناامیدی از آینده، قدرت بازدارنده است. انسان ناامید نمی‌تواند در تشکیلات اقتصاد مقاومتی ورود پیدا کند زیرا آینده را تیره و تاریک می‌بیند. در آموزه‌های دینی، ناامیدی یکی از صفاتی است که به شدت خداوند آن را مورد مذمت قرار داده است.^۲

امیدواری، عامل شتاب دهنده به ماشین جنگی اقتصاد مقاومتی است. رهبر معظم انقلاب تبیین می‌کنند که اگر روحیه نشاط و قوت و روحیه انقلابی در انسان وجود داشته باشد، راه‌هایی که به نظر می‌رسد با بن بست مواجه می‌شود را می‌شکافد.^۳

شجاع و مخاطره پذیر

یکی دیگر از نشانه‌های انسان متعهد و کارآمد با عزم راسخ برای پیشرفت، شجاعت و مخاطره-پذیری است. مبارز اصلی جنگ اقتصادی در صورت نداشتن ویژگی شجاعت و مخاطره‌پذیری، نمی‌تواند از ویژگی خلاقیت و ابتکار عمل خود استفاده کند. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «مؤمن از آهن سخت‌تر است».^۴

طراح سیاست‌های اقتصاد مقاومتی معتقد است:

«با تردید، با تزلزل، با ترس و لرز نمی‌شود کارهای بزرگ را انجام داد؛ لازم است با شجاعت وارد شد. البته شجاعت به معنای بیگدار به آب زدن نیست. بررسی‌ها باید انجام بگیرد، فکر صحیح باید بشود، وقتی به نتیجه رسیدیم، بدون تردید و تزلزل بایستی اقدام کنید.»^۵ «وشاورهم فی الامر فاذا عزمتم فتوکل علی الله»؛ مشورت‌هایت را بکن، بررسی‌ها را بکنید، جوانب را خوب بسنجید، وقتی به نتیجه رسیدید، آن وقت به خدا توکل کنید و وارد میدان بشوید. این شجاعت لازم است».^۵

هم‌افزایی ویژگی‌های فوق‌الذکر، منجر به انسان متعهد، کارآمد و با عزم راسخ برای پیشرفت خواهد شد که در تراز اقتصاد مقاومتی بوده و می‌تواند تشکیلات اقتصاد مقاومتی را به پیش ببرند.

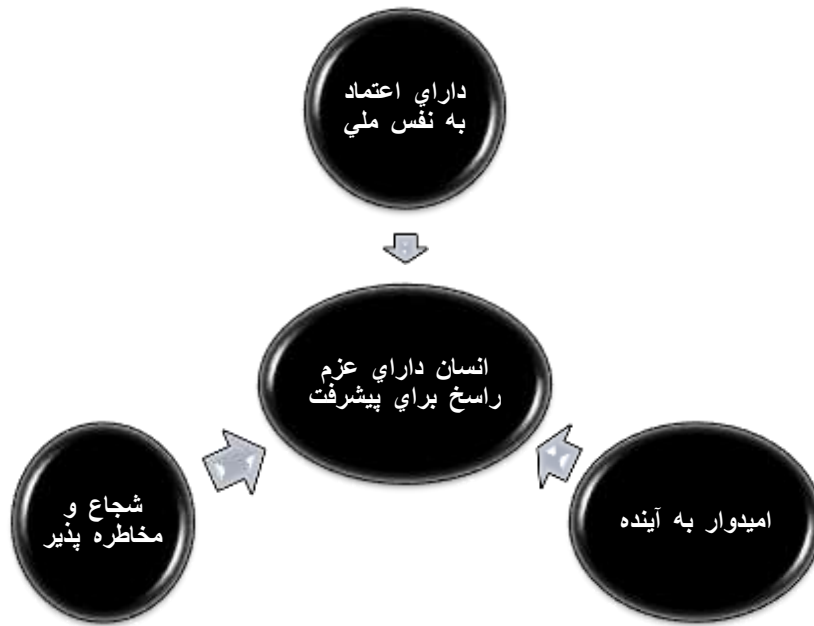
^۱بیانات مقام معظم رهبری ۸۶/۶/۲

^۲سوره یوسف، آیه ۸۷.

^۳بیانات مقام معظم رهبری در جمع مردم قزوین، ۱۳۸۲/۹/۲۵

^۴الحیاه، ج اول، ص ۴۶۷

^۵بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۶/۴/۹



شکل (۷) نشانه‌های انسان دارای عزم راسخ برای پیشرفت

جدول (۲) -مجموع نشانه‌های انسان متعهد و متخصص و دارای عزم راسخ برای پیشرفت در تراز اقتصاد مقاومتی

نشانه‌های رفتار انسان تراز اقتصاد مقاومتی	ویژگی انسان تراز اقتصاد مقاومتی	
دیندار	تعهد	۱
انقلابی		۲
دردمند و دغدغه مند		۳
تکلیف گرا		۴
پیرو الگوی بومی		۵
آرمان خواه	کارآمدی	۶
واقعیت شناس		۷
موقعیت شناس		۸
خلاق، نوآور و مبتکر		۹
دارای اعتماد نفس	دارای عزم راسخ برای پیشرفت	۱۰
امیدوار به آینده		۱۱

در این قسمت، این نکته را باید یادآور شد که ویژگی‌های دیگری هم‌چون مدبر بودن، عاقل بودن، منظم بودن، منطقی بودن، عالم بودن، هشیار بودن، مجرب بودن، با نشاط بودن، قوی بودن، پرتلاش بودن، زحمتکش بودن، با همت و اراده بودن، احساس مسئولیت داشتن، دلسوز بودن، مشارکت‌پذیر بودن، جوانگرا بودن، شایسته‌سالار بودن، سلامت داشتن، قانون‌گرا بودن، قاطعیت داشتن، سعه‌ی صدر داشتن، انتقادپذیر بودن، بصیر بودن، عدالت‌باور بودن، ساده‌زیست بودن، با تقوا بودن، صادق بودن، فداکار بودن و... صفاتی است که می‌توان برای انسان تراز اقتصاد مقاومتی بر شمارد و به تشریح آن پرداخت (بانکی پور فرد، ۱۳۹۲). لیکن بسیاری از این صفات، صفات انسان دیندار متعهد و متعهد به آموزه‌های دینی اسلام است که به دلیل محدودیت حجم مقاله نمی‌توانستیم به تشریح آن‌ها پردازیم. هر چه انسان‌های متعهد و کارآمد و دارای عزم پیشرفت از ویژگی‌های اخلاقی و اسلامی بیشتری برخوردار باشند، قدرت تأثیرگذاریشان و شبکه‌سازی شان بیشتر خواهد بود.

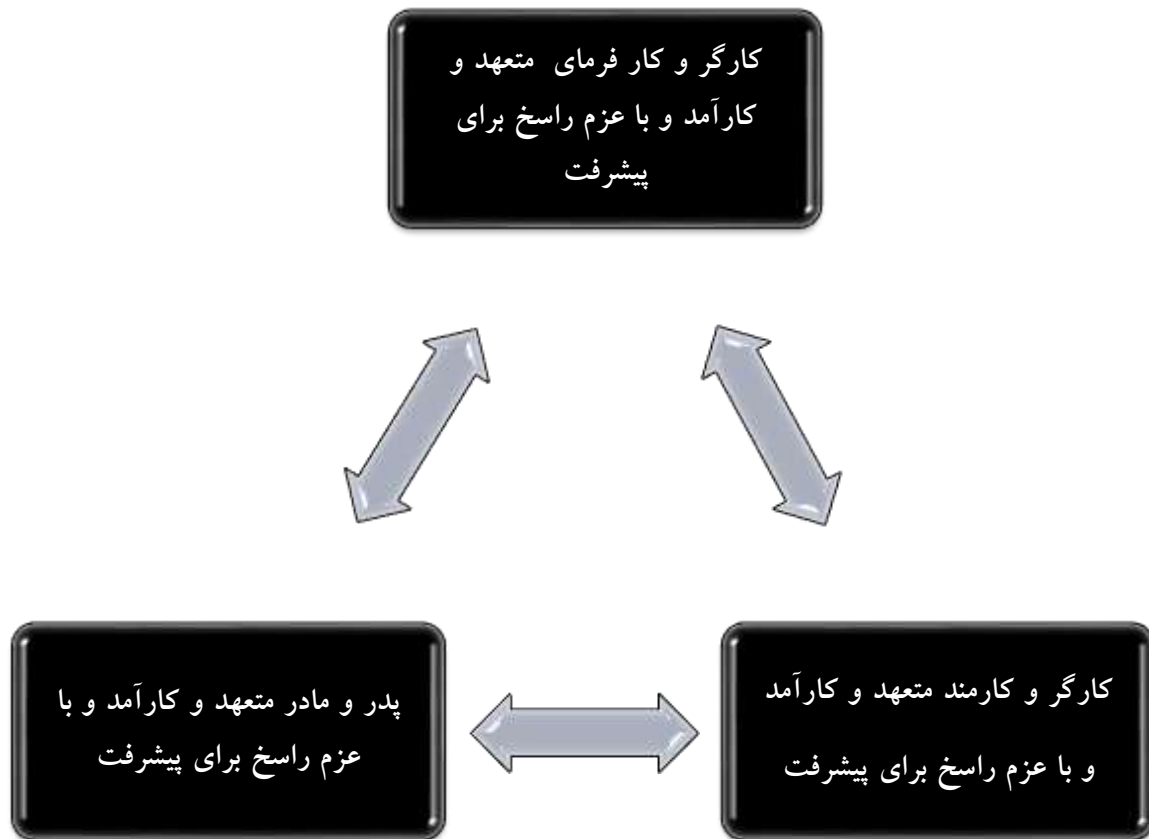
جمع‌بندی و نتیجه‌گیری و پیشنهادات

این مقاله، به دنبال تبیین این موضوع بود که برای پیاده‌کردن الگوی اقتصاد مقاومتی و سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، نیاز به سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی دارد و این سرمایه‌ها قابلیت تحقق شبکه اقتصاد مقاومتی را دارند. انسان با کیفیت است که بتواند بار اقتصاد مقاومتی را بر دوش بکشد. این انسان در تمام بخش‌های اقتصادی قابلیت ظهور و بروز دارد. از این انسان به عنوان انسان تراز الگوی اقتصاد مقاومتی نام برده شد. در این راستا تلاش شد که در ابتدا با توجه به دیدگاه‌های مقام‌معظم‌رهبری به عنوان بنیان‌گذار و نظریه‌پرداز اصلی الگوی اقتصاد مقاومتی و متن ابلاغی سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی توسط ایشان، در گام اول مؤلفه‌های مهم اقتصاد مقاومتی تبیین گردند.

بر این اساس این مؤلفه‌ها شامل تعیین نقش‌آفرینان اقتصاد مقاومتی، مشخص کردن اهداف و عوامل انگیزش‌ساز برای نقش‌آفرینی آنها است. سپس ویژگی‌های انسان تراز اقتصاد مقاومتی و نشانه‌های آن تبیین شد که مهمترین ویژگی‌های «انسان تراز اقتصاد مقاومتی» شامل شاخصه‌های تعهد، کارآمدی و دارا بودن عزم راسخ برای پیشرفت است.

برخی از نشانه‌هایی تعهد عبارتند از دین‌داری، معتقد بودن به انقلاب اسلامی بودن و توانایی ملی، وظیفه‌شناسی و تکلیف‌گرایی و پیرو اقتصاد بومی و علمی برآمده از فرهنگ انقلابی و اسلامی.

برخی از نشانه‌های کارآمدی نیز عبارتند از: آرمان‌خواهی، واقعیت‌شناسی، موقعیت‌شناسی، انعطاف‌پذیری، مبتکر و خلاق بودن و همچنین برخی از نشانه‌های «دارا بودن عزم راسخ برای پیشرفت» شامل داشتن اعتماد به نفس ملی، امیدوار بودن به آینده، شجاعت و جسارت داشتن برای اقدام (روحیه‌ی مخاطره‌پذیری) می‌باشد.



شکل ۸- تأثیر و تأثرات نیروهای هم تراز اقتصاد مقاومتی

به نظر می‌رسد که اگر بخواهیم با رویکرد فعال به موضوع انسان تراز الگوی اقتصاد مقاومتی نگاه کنیم نیاز به چند موضوع لازم و ضروری به نظر می‌رسد.

الف: در زمینه الگوی اقتصاد مقاومتی نیاز به الگوی راهبردی گفتمان سازی لازم و ضروری به نظر می‌رسد. در این مدل و الگو باید متناسب با مخاطبین و آحاد جامعه و به صورت هدفمند و با استفاده از ابزارهای متفاوت رسانه ای مانند فیلم و سریال و مستندسازی‌ها، کتاب، بروشور و روزنامه، سخنرانی و تبلیغ و..... تمام ظرفیت فرهنگی و اجتماعی و علمی کشور را در این زمینه فعال نمود.

بر این اساس شاخصه‌های مطلوب انسان تراز الگوی اقتصاد مقاومتی باید در چهارچوب‌های تبیین گفتمان الگوی اقتصاد مقاومتی به صورت دقیق برای آحاد جامعه تبیین شوند و با تبیین دقیق این شاخصه‌ها در چهارچوب راهبردهای گفتمان ساز الگوی اقتصاد مقاومتی، بستر مشارکت عمومی مردم در این الگو فراهم گردد.

ب: در این چهارچوب نیاز به ترسیم یک الگوی تربیتی منسجم که تمامی ارکان تربیتی جامعه اعم از خانواده و آموزش و پرورش و رسانه را در بر بگیرد لازم و ضروری به نظر می رسد. به نظر می رسد که نهاد خانواده، اصلی ترین و بنیادی ترین عنصری است که می تواند در شکل گیری انسان تراز الگوی اقتصاد مقاومتی اثرگذار باشد. این نهاد با تقویت اراده‌ی جمعی و قدرت تصمیم گیری خود، قابلیت دارد، به عنوان نقطه شروع و مرکز تعلیم و تربیت نیروی تراز اقتصاد مقاومتی باشد. در این راستا می توان گفت که ترسیم الگوی سبک زندگی اسلامی مطلوب خانواده اسلامی می تواند بستر را برای تربیت انسان تراز الگوی اقتصاد مقاومتی در محیط خانواده فراهم سازد. آموزش و پرورش و آموزش عالی، دومین رکن اساسی در ایجاد بستر تربیتی برای تربیت انسان تراز اقتصاد مقاومتی است.

در این راستا در نخستین گام باید ساختار جدیدی برای تربیت انسان تراز اقتصاد مقاومتی با تغییر در فرآیندهای نظام آموزش و پرورش تهیه و تنظیم شود. تغییر کتب درسی و شیوه آموزش و ... همه و همه باید بر اساس این ساختار اصلاح گردند.

ج: معرفی الگوهای موفق در جامعه که دارای نزدیک ترین شاخصه‌ها به انسان تراز اقتصاد مقاومتی هستند، یکی از بهترین بسترها برای تقویت گفتمان اقتصاد مقاومتی است. بی شک بدون یک استراتژی موفق گفتمان سازی این راهبردها فاقد اثرگذاری در راستای تربیت انسان تراز اقتصاد مقاومتی خواهد بود.

تبيين و چگونگی نقش آفرینی ویژه هر کدام از سازمان های خانواده، آموزش و پرورش و آموزش عالی در اقتصاد مقاومتی موضوعاتی است که محققین می توانند در پژوهش های بعدی به آن بپردازند.

فهرست منابع و مآخذ:

۱. قرآن مجید
۲. نهج البلاغه، سیدرضی. نهج البلاغه، مترجم: محمددستی، قم: مؤسسه فرهنگی-تحقیقاتی امیرالمؤمنین (علیه السلام)، ۱۳۸۵
۳. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران.
۴. سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
۵. اعتصامی، منصور، جایگاه پیوند سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در نظام اقتصادی اسلام، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۱.

۶. ارشدی، نسرین و صالحه پیریایی، رابطه اخلاق کار اسلامی و عملکرد شغلی، خشنودی شغلی و قصد ترک شغل کارکنان، دو فصلنامه علمی- پژوهشی مدیریت اسلامی، شماره ۱، ۱۳۹۳.
۷. بانکی پور فرد، امیر حسین، عیار مدیران از منظر مقام معظم رهبری، اصفهان: انتشارات حدیث راه عشق، ۱۳۹۲.
۸. حسین‌زاده بحرینی و سعید ملک الساداتی، موانع نهادی سرمایه‌گذاری و کسب و کار در ایران، ماهنامه جامعه و کار، شماره ۱۳۸، ۱۳۹۰.
۹. حکیمی، محمد رضا، محمد حکیمی و علی حکیمی، الحیاه، ترجمه احمد آرام، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۰.
۱۰. شجاعی‌زند، علیرضا، مدلی برای سنجش دینداری، فصلنامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، سال ششم، شماره ۱، ۱۳۸۴.
۱۱. شجاعی‌زند، علیرضا، جامعه‌شناسی دین، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸.
۱۲. عزتی، مرتضی، ایمان، عقلانیت و رضایت خاطر، انتشارات نور علم، ۱۳۸۷.
۱۳. فقیهی، علی‌نقی، محمد خدایاری فرد، باقر غباری بناب و محسن شکوهی یکتا، بررسی الگوی دینداری از منظر قرآن و سنت، فصلنامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، ۱۳۸۵.
۱۴. گرونیوگن و جان، آنتون اسپتیهوون، آنت ون دن برک، مقدمه‌ای بر اقتصاد نهادگرا، ترجمه اصلا ن قودجانی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۱.
۱۵. متوسلی، محمود، مصطفی سمیعی نسب و علی نیکونستی، نهادها و توسعه، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۲.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ج ۷۲، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ ق.
۱۷. مطلبی، سیدمحمد موسیولیلعیسگری، قانونکارایرانوانعطافیذیری، فصلنامه‌کارو جامعه، شماره ۱۵۶، ۱۳۹۲.
۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار: حماسه حسینی، ج ۱۷، قم: انتشارات صدرا، ۱۳۷۷.
۱۹. معین، محمد، فرهنگ فارسی، تهران، انتشارات فردوس، چاپ اول، سال ۱۳۸۱ هـ ق.